

كمال الحيدري (١) :

1. الجواب منقول من:

الموقع الرسمي لكمال الحيدري (2011). موقف علماء أهل السنة والجماعة من حديث خلق الله آدم على صورته ق

(1). متاح على:

<http://alhaydari.com/ar/2011/10/14057>

كمال حيدري (١) :

١. به نقل از سايت رسمی كمال حيدري، نظر علمای اهل سنت و جماعت در مورد اينكه خداوند آدم را بر صورت خويش آفريد.

قابل دسترس در نشانی:

<http://alhaydari.com/ar/2011/10/14057>

أقوال كمال الحيدري في نظرية التطور :

«أن آدم خلق بكن فيكون يعني لا توجد مراحل مر بها..... إذن تبين ما فائدة أن الله خلق آدم على صورة آدم؟ ليقول لنا: أن آدم أبو البشر متميز عن سائر بنيه، وهو أنه خلقه من تراب ثم قال له كن فيكون. هذا الامتياز وهذه الخصوصية أعطيت لموجود في الأدميين والبشر لغير آدم أبي البشر؟ لا، لم تعط إلا له عليه السلام..... سماحة السيد كمال الحيدري: أتصور أن سؤاله كان في هذا اللحاظ وهو أنه يقول بأن نظرية دارون تقول أن آدم مر بمراحل إلى أن وجد. والجواب على ذلك أن هذه النظرية قرانياً لا أقل باطلّة. نعم، في البحث العلمي لها محل آخر ولست الآن بصدد البحث العلمي، ولكن من الناحية القرآنية سواء على مستوى البحث القرآني خلقه من تراب ثم قال له كن فيكون، إذن لم يتطور من نوع آخر، مضافاً إلى ذلك الروايات الصحيحة التي قرأناها من البخاري ومسلم ومسنند أحمد والنصوص الواردة عندنا أن الله خلق آدم على صورته»(2).

2. منقول من موقع كمال الحيدري.

سخنان كمال حيدري در باب نظريهء تكامل:

«آدم به صورت كُن فيكون (دفعی) آفريده شده يعنى او از هيچ مرحله‌ای گذر نكرده است. ...

بنابراین فایده اینکه خدا آدم را به صورت آدم آفرید، چیست؟ برای اینکه به ما بگوید: آدم ابوالبشر از سایر فرزندان متمایز بوده است، و اینکه خدا او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: باش، پس شد. آیا در آدمیان و بشر، این امتیاز و این ویژگی به موجودی به غیر از آدم ابوالبشر داده شده است؟ خیر، به کسی جز حضرت آدم علیه السلام اعطا نگشته است ...

جناب سید کمال حیدری: به گمانم سؤال وی از این نظر بوده، که او می‌گوید نظریه داروین بر این عقیده است که آدم برای موجودیت یافتن، مراحل را پشت سر گذاشته است. پاسخ این است که این نظریه حداقل از نظر قرآن باطل است. آری بحث علمی مجال دیگری دارد و من اکنون درصدد تفسیر

علمی این نظریه نیستم ولی از دید قرآن و چه در سطح پژوهش قرآنی، او را از خاک آفرید سپس فرمود کن فیکون. بنابراین از نوع دیگری تکامل نیافته است. علاوه بر این، روایات صحیحی که از بخاری، مسلم، مسند احمد و متونی که به ما رسیده چنین بر می‌آید که خدا انسان را شبیه خود آفرید. «(2).

2. به نقل از سایت رسمی کمال حیدری، نظر علمای اهل سنت و جماعت در مورد اینکه خداوند آدم را بر صورت خویش آفرید.

قابل دسترس در نشانی:

<http://alhaydari.com/ar/2011/10/14057>

رد: واضح أنّ کمال الحیدری یعتبر أنّ جسم آدم المادی خلق من طین مباشرة، أي إنه یعتقد أنّ الله صنع تمثالاً من طین ثم بث فیہ الروح فتکون جسم آدم المادی الذي عاش علی هذه الأرض، وقد مر قوله: «أن آدم خلق بکن فیکون یعنی لا توجد مراحل مر بها»، «خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون».

پاسخ: واضح است که طبق عقیده کمال حیدری، جسم مادی آدم به‌طور مستقیم از گل آفریده شده یعنی او بر این باور است که خداوند تمثالی از گل را آفرید سپس روح را در آن دمید و به این ترتیب جسم مادی آدم که بر این زمین زندگی کرده، پدیدار گشته است. به سخن او نیز اشاره شد که: «آدم به صورت کن فیکون آفریده شده یعنی او از هیچ مرحله‌ای گذر نکرده است»، «او را از خاک آفرید سپس فرمود: کن فیکون».

وهو يرفض نظرية التطور كما صرح ويعتبرها باطلة: «أن هذه النظرية قرانياً لا أقل باطلة».

وی صریحاً نظریهء تکامل را رد می‌کند و آن را باطل می‌شمارد: «این نظریه حداقل از نظر قرآن باطل است».

وهذا كلام ينم عن جهل بما تطرحه نظرية التطور من أدلة رصينة لم تترك مجالاً للرد، فنظرية التطور لا يرفضها اليوم بعد الأدلة الجينية الدقيقة إلا جاهل بنظرية التطور وأدلتها التي لا يمكن ردها علمياً بحال، وقد بينت الأدلة بالتفصيل وبينت أيضاً تفاهة الردود والإشكالات على نظرية التطور وأنها بمجملها ردود وإشكالات تحكي جهل من سطروها بنظرية التطور.

این گفتار نشان می‌دهد که وی نسبت به شواهد دقیقی که تکامل ارائه می‌نماید و جای چون و چرایی باقی نمی‌گذارد، جاهل است. امروزه پس از شواهد دقیق ژنتیکی، فقط کسانی نظریهء تکامل را رد می‌کنند که نسبت به آن و دلایلی که بهیچوجه نمی‌توان آنها را از منظر علمی رد نمود، بی‌اطلاع باشند. پیشتر این ادله را به طور مبسوط بیان داشتم و پیش‌پاافتادگی ردیها و اشکالاتی را که بر نظریهء تکامل وارد می‌کنند، نیز شرح دادم و اشاره نمودم که اینها اجمالاً شُبّهات و ردیهایی است، که از جهل نگارندگانشان نسبت به تکامل حکایت دارد.

وبالتالي فبحثهم العلمي كما يسميه الحيدري قد بينت سذاجته وتفاهته بالتفصيل فيما تقدم، وحقيقة هم ليسوا من أهل هذه العلوم وليست لديهم القدرة على مناقشتها، بل تبين فيما تقدم أن كمال الحيدري وأمثاله عاجزون عن فهمها فضلاً عن أن يقوموا بمناقشتها والرد عليها علمياً، وتبين فيما تقدم أن كل ردودهم إنما هي ردود ساذجة ليس لها أي قيمة علمية وإنما هم

یسوقونها محلیاً علی المساکین الذین یخدعونهم فقط، کما خدعهم کمال الحیدری و أمثاله بکذبة وجوب تقلید غیر المعصوم أو الفقیه والتي دلیله علیها کما یقول هو و غیره رجوع غیر المتخصص للمتخصص، ودلیلهم هذا یدل علی جهلهم حتی فی الأمور الدینیة التي یدعون التخصص فیها، فرجوع غیر المتخصص للمتخصص فی أحسن أحواله یفید الجواز مع عدم وجود المانع، لا الوجوب الذی یفرضه کمال الحیدری و أمثاله بخدعة وجوب تقلید غیر المعصوم أو الفقیه التي ابتدعوها بدون دلیل، وللأسف لا زالوا یخدعون بها شیعة أهل البیت المظلومین المخطوفین والمغیبین من قبل هؤلاء.

همچنین پیش از این، سادگی و ابتذال نظرات آنها را که حیدری علاقمند است آن را پژوهش علمی بنامد، به تفصیل بیان نموده‌ام. در حقیقت آنها اهل پرداختن به این علوم نیستند و توانایی مناقشه در این باب را ندارند. در صفحات پیشین گذشت که کمال حیدری و امثال او از فهم نظریه عاجزند؛ چه برسد به اینکه بخواهند آن را مورد نقد قرار داده و پاسخ علمی به آن بدهند. همچنین گذشت که تمام ردیه‌های آنها در واقع پاسخ‌هایی ساده و پیش‌پاافتاده است که فاقد ارزش علمی می‌باشد و آنها این ادله را فقط برای بیچاره‌هایی که می‌خواهند آنها را فریب دهند، بیان می‌دارند. همان طور که کمال حیدری و امثال او با دروغ، از وجوب تقلید غیرمعصوم یا فقیه سخن می‌گویند و حال آنکه دلیل او بر این سخن - طبق چیزی که او و دیگران می‌گویند - رجوع غیرمتخصص به متخصص است. این استدلال، خود، از نادانی آنها حتی در امور دینی که ادعای کارشناسی آن را دارند پرده برمی‌دارد. رجوع غیرمتخصص به متخصص در بهترین حالت صدور جواز با عدم وجود منع است (الزام‌آور نیست)، نه وجوبی که کمال حیدری و امثال او با حيله، تقلید از غیرمعصوم یا فقیه را واجب دانسته‌اند. آنها این بدعت را بدون دلیل و پایه، از ذهن خود به هم بافته‌اند و متأسفانه پیوسته به این روش، شیعه‌ء اهل بیت مظلوم و غائب که حقشان غصب شده است را فریب داده‌اند.

فبالنتيجة نظرية التطور نظرية علمية متينة تعتمد على كل الجامعات ومراكز البحوث العريقة حول العالم وتعتبر النظرية الوحيدة الصالحة علمياً لتفسير الحياة الأرضية، وأيضاً تتطابق تنبؤاتها مع الواقع وهذا أمر ثبت وترسخ بما لا يقبل الشك بعد تقدم علم الجينات، والنظريات العلمية تقيم على هذا الأساس أي مدى مطابقتها مع الواقع الذي نحصل عليه من المشاهدات والتجارب وبالتالي فقولُه إنها غير صحيحة يفضح جهلة لا أكثر.

نتيجة أنكه نظريهء تكامل يك نظريهء علمى و وزين است كه دانشگاها و مراكز پژوهشى معتبر در سراسر جهان با ديدهء تأييد و احترام به آن مى‌گردند. تكامل به عنوان يگانه تفسير پيدائش حيات زمينى تدریس مى‌شود و پيش‌بينى‌هاى آن نیز با واقعيت همخوان است. پس از پيشرفت علم ژنتيك، اين قضيه به‌حدى ثابت و استوار گشته كه هيچ شك و شبهه‌اى در آن راه ندارد. اصولاً پایه و اساس نظريات علمى بر اين مبنا استوار است، يعنى ميزان همخوانى پيش‌بينى‌هاى آنها با واقعيتهاى كه از طريق مشاهدات و آزمايش‌ها به آن دست مى‌يابيم. بنابراین سخن وی (كمال حيدرى) مبنى بر نادرست بودن نظريه، فقط نادانى او را آشكار مى‌سازد، نه بيشتر.

أما قوله إنها قرآنيًا باطلة أي بمعنى أنها باطلة لأنها تتعارض مع النص القرآني، فهو أيضاً قول غير صحيح فلا يوجد نص قرآني واحد محكم الدلالة يتعارض مع نظرية التطور بشكل قطعي، فلا تعارض بين النص القرآني وبين نظرية التطور وإنما هناك تعارض بين فهم الخاطئ للنص القرآني مع نظرية التطور والفرق كبير، وعلى الأقل يمكن أن يقال: إن هذا النص القرآني يحتمل أكثر من تفسير ومعنى وبالتالي فلا يمكن أن يقول أحد: إنه يتعارض مع نظرية التطور بشكل قطعي بناءً على تفسير أو معنى محتمل للنص.

این سخن وی که تکامل از دید قرآن باطل است، به این معنا است که چون با متن قرآنی تعارض دارد، باطل محسوب می‌شود. این نیز نادرست و ناروا است، زیرا حتی یک متن قرآنی محکم و با دلالت قطعی که به طور قطعی با نظریه تکامل در تعارض باشد، وجود ندارد. حقیقت آن است که بین متن قرآن و نظریه تکامل هیچ تعارضی وجود ندارد، بلکه مغایرت‌ها از درک نادرست آنها از متن قرآن و این نظریه سرچشمه می‌گیرد و البته اینها بسیار با هم متفاوت هستند. حداقل می‌توان گفت: این متن قرآنی بیش از یک تفسیر و مفهوم دارد؛ بنابراین کسی نمی‌تواند طبق تفسیر یا معنای محتمل آن بگوید که قطعاً با نظریه تکامل ناهمخوان است.

كما أني قدمت نصوصاً قرآنية فيها دلالة على التطور.

به‌علاوه در بخش‌های پیشین متون قرآنی مبنی بر اثبات تکامل را عرضه داشته‌ام.

وأخيراً، فإنّ نصيحتي لكل من يرفضون نظرية التطور ويقولون إنها تتعارض مع النص الديني أن يطلعوا على نظرية التطور ويحاولوا فهمها وأن يرجعوا عن رأيهم غير الصحيح، فإنه والله يفضح جهلهم ويضعهم في موقف غاية في الضعف ولا يحسدون عليه لو كانوا يفقهون.

در پایان نصیحت من به تمام کسانی که نظریه تکامل را رد می‌کنند و از تعارض آن با متن دینی دم می‌زنند، آن است که با این نظریه آشنا شوند و بکوشند آن را بفهمند و از باور نادرست خویش دست بکشند؛ چرا که به خدا سوگند، این موضع‌گیری جهلشان را برملا می‌سازد و آنها را - اگر بدانند و درک کنند - در جایگاه بسیار ضعیف و نامناسبی می‌نشانند.

وقد قال د. دوكنز:

«انا تعجبني فكرة ان الناس يعلمون في الكنائس ان التطور غير متوافق مع الدين
لأننا بكل تأكيد نستطيع اثبات ان التطور حقيقة»(1).

1.شيء من لاشيء - د. ريتشارد دوكنز و د. لورانس كراوس - محاضرة في جامعة اريزونا.

دكتور داوكينز مي گوید:

«من از تفکر برخی مردمی که در کلیساها علم می آموزند و می گویند تکامل با دین
ناسازگار است، بسیار خرسندم؛ زیرا ما به قطع و یقین می توانیم اثبات کنیم که
تکامل واقعیت دارد.»(1).

1. آفرینش از هیچ چیز: دکتر ریچارد داوکینز و دکتر لارنس کراوس، سخنرانی در دانشگاه آریزونا.

أي إن د. دوكنز يقول لأولئك - أمثال كمال الحيدري - الذين يقولون إنَّ نظرية
التطور تتعارض مع القرآن أو الدين: أنتم تهبون الإلحاد أكبر هدية مجانية
لإبطال القرآن والدين؛ لأنه ببساطة يستطيع علماء علم الأحياء التطوري إثبات
أنَّ نظرية التطور حقيقة وصحيحة وبأدلة واضحة وجلية. انتهى.

یعنی دکتر داوکینز به این افراد - امثال کمال حیدری - که معتقدند نظریه
تکامل با قرآن یا دین مغایرت دارد، می گوید: شما بزرگترین هدیه رایگان
برای ابطال قرآن و دین را به خداناباوری اعطا می کنید؛ زیرا زیست شناسان
تکاملی با دلایل ساده و روشن به آسانی می توانند ثابت کنند که نظریه
تکامل درست است و حقیقت دارد. پایان.
